

موانع اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در صنعت بانکداری ایران

ثمینه فیض‌اله*، حمید حقیقت**

چکیده

پس از فراگیر شدن گزارشگری مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی در جهان، در سال ۱۳۹۵ سازمان حسابداری به عنوان نهاد تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری و حسابرسی در ایران اقدام به پذیرش آن نمود. اما شواهد عینی نشان می‌دهد صورت‌های مالی شرکت‌ها همچنان بر مبنای استانداردهای حسابداری ملی تهیه می‌شود و اقبال چندانی به استانداردهای بین‌المللی نشده است. به نظر می‌رسد این واقعیت بیانگر آن است که الزام شرکتها بدون ملاحظه موانع و زیرساختهای شرکتها فاقد اثربخشی لازم بوده و از این رو ضرورت انجام پژوهش عمیق در این زمینه، دوچندان می‌شود. در این پژوهش پیمایشی با استفاده از نظرات چهار گروه مخاطبین شامل بانک‌ها، حساب‌رسان بانکی، نهادهای ناظر و صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران تلاش شده است تا موانع زیربنایی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در صنعت بانکداری ایران شناسایی گردد. بر اساس مطالعات نظام‌مند، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۳۵ گویه طراحی و ۱۱۹ پرسشنامه برای جامعه هدف ارسال شد. سپس پاسخ‌های دریافتی با استفاده از منطق فازی، تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد موانع اصلی بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران شامل ویژگی‌های اقتصادی ایران، مشکلات ساختاری و مدل کسب و کار بانک‌ها، زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات، عدم کفایت قوانین و مقررات و ظرفیت‌های ناکافی نظارتی می‌باشد که رفع آنها نیازمند اصلاحات اساسی در سطح کلان، و در سطح بانک‌ها و نهادهای نظارتی و متولی است.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)، صنعت

بانکداری ایران، موانع اجرای IFRS.

* دانشجوی دکتری مالی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

** دانشیار حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: حمید حقیقت

hhagh2006@gmail.com

مقدمه

در سراسر جهان، استانداردهای حسابداری و حسابرسی توسط نهادها و سازمان‌های مختلف تدوین می‌شود. میزان توسعه‌یافتگی این استانداردها تا حد زیادی بستگی به محیط گزارشگری مالی و اطلاعات مالی مورد نیاز استفاده‌کنندگان هر کشور دارد. جهانی شدن کسب و کار، به ویژه حرکت به سوی بازارهای سرمایه همگرا، نیاز به مجموعه واحدی از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را دوچندان کرده است که توسط هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)^۱ توسعه یافته است. در گزارش سال ۲۰۲۰ بنیاد IFRS^۲، مأموریت اصلی این بنیاد تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی عنوان شده است، به گونه‌ای که شفافیت، پاسخگویی و کارایی را برای بازارهای مالی در سراسر جهان به ارمغان آورد و موجب تقویت اعتماد، رشد و ثبات بلندمدت مالی در اقتصاد جهانی شود (بنیاد IFRS، ۲۰۲۰). بر اساس آخرین اطلاعات رسمی منتشرشده توسط بنیاد IFRS، بیش از ۸۰ درصد کشورهای جهان (۱۶۶ کشور) استانداردهای IFRS را پذیرفته‌اند. دلیل اصلی پذیرش IFRS در اکثر کشورها، نیاز روز افزون به یک نظام حسابداری کارآمد، شفاف و با قابلیت مقایسه‌ای بالا در سطح ملی و بین‌المللی است. با توجه به مأموریت IFRS، پیاده‌سازی مجموعه استانداردهای بین‌المللی می‌تواند بصورت بالقوه به حل برخی مشکلات صنعت بانکداری ایران کمک کند و موجب افزایش شفافیت و مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی برای سهامداران و سپرده‌گذاران شود. از سوی دیگر، فرآیند اجرای IFRS می‌تواند با چالش‌های بالقوه مهمی همراه باشد. عدم توجه به این چالش‌ها و نبود بسترهای مناسب، نه تنها موجب ارتقای کیفیت گزارشگری مالی نخواهد شد، بلکه می‌تواند مشکلات بیشتری، به ویژه در صنایع حساسی نظیر صنعت بانکداری، ایجاد نماید.

در ایران نیز در سال‌های اخیر، گام‌هایی در راستای پذیرش استانداردهای مذکور برداشته شده است. سازمان بورس و اوراق بهادار براساس ابلاغیه شماره ۹۵/۴۴۰/ب/۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۵ تمام بانک‌ها و موسسات اعتباری و نیز تمام شرکت‌های بیمه ثبت‌شده نزد این سازمان و همچنین کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، که دوره مالی آنها از تاریخ اول فروردین ۹۵ و بعد از آن شروع می‌شود و سرمایه ثبت شده آنها ده هزار میلیارد ریال و بیشتر از آن است را به تهیه و ارائه دو مجموعه

صورت‌های مالی سالانه، بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری ایران ملزم کرده است. شواهد عینی نشان می‌دهد تا کنون این مصوبات جنبه اجرایی نیافته است که این واقعیت می‌تواند نشانه‌ای از فراهم نبودن زیرساخت‌های مورد نیاز برای پیاده‌سازی IFRS است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز در اواخر سال ۱۳۹۴ مجموعه صورت‌های مالی همگرا با IFRS را تدوین و جهت اجرا به بانک‌ها ابلاغ نمود. در این مجموعه، گزارشگری مالی بانک‌ها با در نظر گرفتن زیرساخت‌های موجود صنعت بانکداری، تا حد امکان با IFRS همگرا شده است و اگرچه با اجرای کامل آن فاصله معناداری دارد، اما در عین حال یک گام عملی در راستای همگرایی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی حسابداری محسوب می‌شود.

مطالب پیش‌گفته بیانگر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر بوده و صنعت بانکداری ایران به منظور برخورداری از مزایای بالقوه IFRS، به‌ویژه توسعه مبادلات بین‌المللی و رفع مشکلات ساختاری نظام بانکی، نیازمند پذیرش و اجرای آن است. اما به دلیل ماهیت پیچیده و اصول‌محور بودن استانداردهای IFRS، شرایط و ویژگی‌های محیطی ایران از منظر اقتصادی، سیاسی، قوانین و مقررات، فرهنگی، ویژگی‌های حاکم بر مدل کسب و کار بانک‌ها و مشکلات ساختاری آنها، اجرای مناسب IFRS مستلزم شناسایی و رفع موانع پیاده‌سازی است. یادآور می‌شود پژوهش‌های انجام شده درباره موانع و چالش‌های اجرای IFRS در ایران محدود و کلی بوده و به صورت خاص به مشکلات صنعت بانکداری که ملاحظات و مشکلات خاص خود را دارد، پرداخته نشده است. از جمله نوآوری‌های این پژوهش، انجام آن در محیط اقتصادی ایران و بخصوص از بعد موضوعی در صنعت بانکداری و همچنین روش‌شناسی مورد استفاده، آزمون‌های انجام شده، نحوه طراحی پرسشنامه و استفاده از نظرات طیف گسترده‌ای از متخصصان است. در ادامه مقاله، مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش تشریح و در پایان نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

مبانی نظری

نظام‌های حسابداری با توجه به شرایط محیطی منحصر به فرد کشورها، توسعه پیدا می‌کنند و جهانی‌سازی استانداردهای حسابداری، به دلیل نادیده گرفتن تفاوت‌های اساسی

محیطی کشورها، ممکن است به تولید گزارش‌های مالی غیرمربوط منجر شود (جوی و لویچ،^۴ ۱۹۹۱). ساموئلز^۵ (۱۹۹۳) بر این باور است که محیط سیاسی، اقتصادی و قانونی و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه ممکن است پذیرش IFRS را با چالش مواجه کند. ردباک و گری^۶ (۲۰۰۲) نیز فرهنگ، میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی، شیوه‌های تامین مالی، سیستم‌های حقوقی و قانونی و نیز عوامل بین‌المللی را به عنوان اصلی‌ترین اثرات محیطی در ایجاد تنوع در نظام حسابداری شناسایی می‌کنند.

شماری از صاحب‌نظران، نظام حقوقی و قانونی را به عنوان یک عامل اصلی تأثیرگذار بر سیستم حسابداری شناسایی کرده‌اند (به عنوان مثال رابرتز و همکاران^۷، ۲۰۰۵؛ الکساندر و همکاران^۸، ۲۰۰۴؛ الختانی^۹، ۲۰۱۰؛ السقا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ نوبز^{۱۱}، ۲۰۱۲). در یک طبقه‌بندی کلی، نظام‌های قانونی به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظام قانونی عرفی (اصول‌محور)^{۱۲} و کدنوشته^{۱۳} (پرتا و همکاران^{۱۴}، ۱۹۹۸). در کشورهای دارای نظام قانونی کدنوشته عوامل سیاسی تأثیر زیادی بر فرآیند تدوین استانداردها دارند (بال و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۰). اما در کشورهای نظام قانونی عرفی، مقررات حسابداری مستقل از قوانین مصوب هستند و از طریق نهادهای حرفه‌ای تدوین می‌شوند (الکساندر و همکاران، ۲۰۰۴). افزون بر این که ایران جزء کشورهای دارای نظام قانونی کدنوشته تقسیم‌بندی می‌شود، قوانین شریعت نیز تأثیرات خاص خود را بر روی نظام حسابداری ملی می‌گذارد^{۱۶} و انتظار می‌رود که در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز تأثیرگذار باشند.

پژوهشگران مختلف از مدل‌های فرهنگی هافستد^{۱۷} (۱۹۸۰) و گری^{۱۸} (۱۹۸۸)، برای بررسی تأثیر فرهنگ بر حسابداری استفاده کرده‌اند (برای نمونه، السقا، ۲۰۱۲؛ برکر^{۱۹}، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴). مطالعات انجام‌شده توسط جاگی^{۲۰} (۱۹۷۵) و بایدون و ویلت^{۲۱} (۱۹۹۵) نشان داد که مقوله فرهنگ نقش مهمی در شکل‌گیری رویه‌های حسابداری و افشا دارد. السقا و سوان^{۲۲} (۲۰۱۳) استدلال می‌کنند که تفاوت‌های فرهنگی بیان‌شده در مدل هافستد، دلیل اصلی اختلاف در رویه‌های حسابداری است. برکر (۲۰۱۴) در تحقیقی که در کشورهای ایران، عراق و مصر در رابطه با ابعاد فرهنگی هافستد و ابعاد ارزش حسابداری گری در مورد IFRS انجام داد به این نتیجه رسید که هر سه کشور فاصله زیادی با امتیاز بهینه در ارزش‌های حرفه‌ای گری، انعطاف‌پذیری، خوش‌بینی و شفافیت دارند. تأکید بر شفافیت به ویژه در برخی کشورها مانند ایران که ممکن است الزامات افشا را از لحاظ فرهنگی غیرقابل قبول بدانند، می‌تواند

مشکل آفرین باشد (رستمی و حسن‌زاده، ۲۰۱۶). علی‌آبادی و شهری (۲۰۱۶) نیز معتقدند که پذیرش IFRS در ایران بدون شفافیت بیشتر و همکاری بین نهادها نمی‌تواند موفق شود. آنها پیشنهاد می‌کنند که این امر باید توسط دولت هدایت شود.

نظام‌های حسابداری به طور قابل توجهی تحت تأثیر رشد و توسعه اقتصادی قرار دارند. آرپان^{۲۳} و ردباک (۱۹۸۵) بر این باور بودند که میزان دخالت دولت در بخش اقتصادی، بر نظام اقتصادی اثرگذار است و به نوبه خود بر مقررات حسابداری اعمال شده نیز تأثیر می‌گذارد. در نظام اقتصاد سرمایه‌داری تقاضا برای افشای عمومی از اقتصاد دولتی بیشتر است و به دلیل این که IFRS بر شفافیت تاکید دارد، به نظر می‌رسد در این گونه نظام‌های اقتصادی پذیرش IFRS راحت‌تر صورت گیرد (پوکستی و همکاران^{۲۴}، ۱۹۸۷). هرچه درهای اقتصاد یک کشور به دنیای خارج بازتر و بیشتر تحت تأثیر نیروهای گوناگون بین‌المللی (سرمایه‌گذاران خارجی، شرکت‌های چندملیتی، موسسات بین‌المللی حسابداری و نهادهای مالی جهانی) باشد، توسعه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری ساده‌تر خواهد بود (کوک و والاس^{۲۵}، ۱۹۹۰؛ زقال و مذبی^{۲۶}، ۲۰۰۶). در نظام‌های اقتصادی با تورم حاد، تجدید ارائه اقلام غیر پولی^{۲۷} در پایان هر دوره گزارشگری از طریق اعمال تغییر شاخص عمومی قیمت‌ها الزامی است (استاندارد بین‌المللی حسابداری 29). این الزام می‌تواند برای تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی چالش‌برانگیز باشد.

مقایسه نرخ رشد اقتصادی ایران با سایر کشورهای در حال توسعه، به خصوص با توجه به ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ایران بیان‌گر آن است که نرخ رشد اقتصادی ایران به طور متوسط نسبتاً پایین بوده است (زمان‌زاده و الحسینی، ۱۳۹۱). همچنین طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۰)، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر به شدت روند کاهشی داشته و از نوسان شدیدی نیز برخوردار است. در شاخص آزادی اقتصادی^{۲۸} که توسط موسسه فریزر منتشر می‌شود، رتبه هر یک از کشورها در هر یک از بخش‌های اندازه دولت^{۲۹}، حقوق مالکیت و حاکمیت قانون^{۳۰}، پول با پشتوانه^{۳۱}، آزادی تجارت بین‌المللی^{۳۲} و مقررات^{۳۳} اعلام می‌شود. روند شاخص آزادی اقتصادی و اجزای آن در ایران بر اساس گزارش سال ۲۰۲۰ موسسه فریزر نشان می‌دهد مولفه آزادی تجارت بین‌المللی در سال ۲۰۱۸ بسیار کمتر از ۵ است و در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی فقط در سال‌ها معدودی بیش از ۵ بوده است. این روند برای دیگر شاخص‌ها به غیر از شاخص "دسترسی به پول

بایستوانه^{۳۲} نیز مشاهده می‌شود. همچنین قبل و بعد از انقلاب اسلامی، کشور با چند دوره تحریم‌های بین‌المللی مواجه بوده است که در این سال‌ها نیز شدت گرفته است. این امر موجب مبادلات تجاری محدودتر، سرمایه‌گذاری خارجی کمتر، حضور کم‌رنگ موسسات بین‌المللی حسابداری شده است که از عوامل موثر بر توسعه و پذیرش IFRS هستند. افزون بر این، نگاه اجمالی به روند تاریخی نرخ تورم در اقتصاد ایران بیان‌گر این امر است که تورم بالا و قیمت‌های بی‌ثبات به خصوص از ابتدای دهه ۱۳۵۰ به یک درد مزمن در اقتصاد ایران بدل شده است (زمان‌زاده و الحسینی، ۱۳۹۱). همچنین بنا بر گزارش مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، نرخ تجمعی تورم سه سال بیش از ۱۰۰ درصد است. با توجه به آمار بیان‌شده و همچنین در نظر گرفتن سایر الزامات IAS29، ایران در گروه کشورهای دارای تورم حاد قرار می‌گیرد.

عامل مهم دیگری که توسط ردباق و گری (۲۰۰۲) عنوان شده است، و باعث ایجاد اختلاف در نظام‌های حسابداری می‌شود، حرفه حسابداری است (رابرتز و همکاران، ۲۰۰۵). نهادهای ملی حسابداری ممکن است مطابق با نظام حقوقی مقررات متفاوتی وضع کنند، در حالی که کیفیت و قابلیت اطمینان گزارشگری مالی در کشورهایی با متخصصان حسابداری ماهر و مستقل بالاتر است (نوبز و پارکر^{۳۴}، ۲۰۱۶؛ الختانی، ۲۰۱۰).

پژوهش‌های پیشین نیز تعدادی از چالش‌های کشورهای در حال توسعه در پذیرش IFRS را بیان می‌کنند. به عنوان مثال، اگر استانداردهای حسابداری با قوانین اسلامی سازگار نباشد، ممکن است در عمل با مقاومت مواجه شود (ایروین و لوکاس^{۳۵}، ۲۰۰۶). سازمان‌ها ممکن است با ترجمه و تفسیر IFRS (جوشی و رمضان^{۳۶}، ۲۰۰۲؛ السوهیبانی^{۳۷}، ۲۰۱۲؛ الختانی، ۲۰۱۲؛ السومایی و همکاران^{۳۸}، ۲۰۱۷) و هزینه‌هایی که برای بازآموزی حسابداران و حسابرسان برای مدیریت گذار به استانداردهای جدید وجود دارد، چالش داشته باشند (جرماکویز^{۳۹}، ۲۰۰۴؛ السوهیبانی، ۲۰۱۲؛ کولسی و زهری^{۴۰}، ۲۰۱۳؛ الموطیری^{۴۱}، ۲۰۱۴). طبق نظر یاپا^{۴۲} (۲۰۰۳) و جوشی و همکاران (۲۰۱۶) یکی دیگر از موانع بالقوه، کمبود ظرفیت نهادهای حسابداری حرفه‌ای است که پشتیبانی آنها در پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری از اهمیت برخوردار است.

تنها پذیرش IFRS برای تضمین اجرای درست و کامل آن کافی نیست. این امر به سازوکارهای نهادی و اجرایی (نظارتی) کشور بستگی دارد (لتوز^{۴۳}، ۲۰۱۳). به عنوان مثال،

حسن و همکاران (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که پذیرش IFRS در عراق به دلیل بی‌ثباتی نهادی آن کشور، کیفیت حسابداری بهتری تولید نکرده است. همچنین کولسی و زهری (۲۰۱۳) معتقدند که پذیرش بدون یک نظام قانونی / نظارتی قوی بی‌معنی است.

نویز و رابرتز (۲۰۰۰) به این موضوع اشاره می‌کنند که بین حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی شرکت‌ها ارتباط زیادی وجود دارد. از دیدگاه مقررات بازل^{۴۴} حاکمیت شرکتی کارا و اثربخش در عملکرد مناسب بانک و به طور کلی اقتصاد دارای نقش مهمی است. ضعف حاکمیت شرکتی در بانک، نقش مهمی در نظام مالی ایفا نموده و باعث انتقال مشکلات آن بانک به همه بخش‌های بانکی و کل نظام اقتصادی می‌شود (بازل، ۲۰۱۵). طبق بررسی‌های جوهمانی^{۴۵} (۲۰۱۷) هشت جنبه از حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیات مدیره؛ اندازه هیات مدیره؛ استقلال کمیته حسابرسی؛ اندازه کمیته حسابرسی؛ نقش دوگانگی مدیرعامل (مدیرعامل - رئیس هیات مدیره)؛ مالکیت عمده^{۴۶}؛ مالکیت مدیریت و مالکیت دولتی می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر انطباق با موارد افشای مرتبط با IFRS اثرگذار باشد.

چالش‌های عملی پیاده‌سازی IFRS شامل اطمینان از سازگاری سیستم‌های فناوری اطلاعات با استاندارد IFRS و هزینه دقیق فرآیند پذیرش، از سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای آموزش کارمندان و بازسازی سیستم‌های کنترل داخلی تا هزینه‌های اضافی حسابرسی که احتمالاً متحمل می‌شوند، است (نویز، ۲۰۱۴؛ تامپسون^{۴۷}، ۲۰۱۶). گذار به IFRS، علاوه بر اثراتی که بر جنبه‌های مالی و افشا می‌گذارد، تمام سازمان از جمله سیستم‌ها و فرآیندها، شیوه‌های کسب و کار، کنترل‌های داخلی، فناوری اطلاعات و منابع انسانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (باترا^{۴۸}، ۲۰۱۵).

افزون بر عوامل محیطی، چالش‌های کشورهای در حال توسعه، چالش‌های عملی و دیگر موارد یادشده که در پذیرش و پیاده‌سازی IFRS اثرگذار است؛ صنعت بانکداری ایران با مشکلات ساختاری عدیدهای روبروست که می‌تواند به شدت در نحوه گذار از استانداردهای حسابداری ملی به IFRS و کیفیت اجرای آن تاثیرگذار باشد. اهم این موارد شامل مبنای حسابداری بانک‌های ایران و چالش‌های حسابداری تعهدی، مطالبات معوق با حجم بالا، آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران، بازار غیرمتشکل پولی و پیامدهای ایجادشده در این بازار، ورود بانک‌ها به بنگاهداری،

نرخ‌گذاری دستوری و تسهیلات تکلیفی است (بدری، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶؛ وب‌سایت بانک مرکزی، ۱۳۹۵، شریف‌زاده و عزیزنژاد، ۱۳۹۴). چالش‌های اجرای ناقص حسابداری تعهدی به طور خلاصه شامل شناسایی درآمدهای موهومی (شامل سود و وجه التزام) و بیش از واقع نشان دادن درآمدهای مشاع و عدم تعیین درست شکاف واقعی بین سود قطعی و سود علی‌الحساب سپرده‌گذاران است (بدری، ۱۳۹۵). در نظام بانکی ایران، مطالبات غیرجاری برخلاف روش‌های معمول در بانکداری دنیا، نه تنها با ذخیره‌گیری تدریجی از ترازنامه حذف نمی‌شود، بلکه برای مدت طولانی روی آن سود شناسایی می‌شود و ذخیره کافی هم برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. اگرچه بروز مطالبات غیرجاری ناشی از نکول بخش حقیقی است، اما رشد غیرطبیعی مطالبات غیرجاری در ایران (که در صنعت بانکداری سایر کشورها کم سابقه است) علاوه بر آن ناشی از بکارگیری رویه‌های غلط حسابداری است که به انباشت دارایی‌های موهوم در ترازنامه بانک‌ها می‌انجامد (بدری و زمان‌زاده، ۱۳۹۶). چالش‌ها و آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران عبارتند از: چالش‌های نهادی و ساختاری، چالش‌های مرتبط با الگوها و ساختارهای مالکیتی بانک‌ها در ایران، چالش‌های نظارتی و کنترلی در استقرار حاکمیت شرکتی بانک‌ها، چالش‌ها و خلاءهای قانونی در استقرار حاکمیت شرکتی بانک‌ها، چالش‌ها و خلاءهای مقرراتی در استقرار حاکمیت شرکتی بانک‌ها و چالش‌های مربوط به ساختارهای سازمانی بانک‌ها (غیائی و ترابی‌فر، ۱۳۹۵). یکی دیگر از معضلات نظام بانکی تعیین نرخ‌های دستوری توسط بانک مرکزی و عدم رعایت قانون عملیات بانکی بدون ربا (تعیین سقف نرخ سود برای تسهیلات مشارکتی) بوده که سازوکار طبیعی بازار پول را بر هم زده و به سایر بازارها نیز تسری یافته است. با توجه به آنچه که اشاره شد، هدف پژوهش پیش‌رو شناسایی موانع بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در صنعت بانکداری ایران است. از این‌رو پرسش‌های این پژوهش عبارت است از:

- موانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران کدام است؟
- رتبه هر یک از موانع از لحاظ اهمیت چقدر است؟

پیشینه

موفق و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به شناسایی عوامل اثرگذار در اجرای موفق IFRS در صنعت بیمه پرداختند. در این پژوهش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه نظرات ۴۲ نفر از مدیران و کارشناسان ارشد بیمه مرکزی و شرکت‌های بیمه جمع‌آوری شد. عوامل شناسایی شده به ترتیب الویت شامل عوامل فنی و الکترونیکی، موضوعات فنی و تکنیکی حسابداری، عوامل زیرساختی، عوامل نهادی (سازمانی)، عوامل انسانی، عوامل مدیریتی، عوامل آموزشی، عوامل اقتصادی، عوامل انگیزشی و عوامل مربوط به استانداردهای خاص صنعت بیمه است. صداقت (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی مزایا، چالش‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی IFRS را بررسی کرد. در این پژوهش از نظرات ۳۴ خبره در حوزه مالی استفاده شد و با روش دلفی فازی تجزیه و تحلیل گردید. در بخش چالش‌ها، میزان ماهیت دخالت دولت در اقتصاد؛ ورود دولت به عرصه تدوین مقررات گزارشگری مالی؛ ساختار بازارهای مالی؛ زیرساخت‌های قانونی؛ میزان مالکیت عمومی در برابر مالکیت خصوصی شرکت‌ها؛ استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی، شامل سود و درآمد، در مدیریت شرکت‌ها؛ موقعیت، استقلال، آموزش و حق الزحمه حسابرسان؛ و عمق بازارهای مالی به ترتیب الویت از چالش‌های این پژوهش است. رضایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به شناسایی و رتبه‌بندی چالش‌های پیاده‌سازی مدل زیان اعتباری مورد انتظار در بانک‌های ایران با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی و ارائه راه کار به کمک روش واسپاس پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد عدم پایش صورت‌های مالی و سایر اطلاعات در طول بازپرداخت دو مانع بسیار مهم در پیاده‌سازی این مدل است.

المنصور^{۴۹} (۲۰۱۹) در پژوهشی پیمایشی به مزایا و چالش‌های پذیرش IFRS در بخش بانکداری کشور عربستان سعودی پرداخت و از نظرات چهار گروه حسابداران بانکی، حسابرسان مستقل، تحلیلگران مالی و استادان دانشگاه در قالب پرسشنامه استفاده کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که پاسخ‌دهندگان در مورد چالش‌های عدم آموزش، کمبود دانش IFRS در عربستان سعودی، کمبود متخصصان شایسته، هزینه گذار به IFRS، مشکلات تغییر سیستم‌های فناوری اطلاعات و افزایش پیچیدگی روند گزارشگری مالی توافق داشتند. با این حال، گروه‌های موجود در نمونه تفاوت قابل توجهی در مورد وجود دستورالعمل کافی از سوی نهادهای نظارتی، رهنمودهای پیاده‌سازی IFRS یا ضمانت‌های

اجرائی قانونی داشتند. همچنین در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تکمیلی به این نتیجه رسید که به دلیل عدم ارائه رهنمودهای مناسب در مورد زکات از سوی سازمان حسابداران رسمی سعودی (SOCPA) قانون ملی می‌تواند به عنوان یک مانع در نظر گرفته شود و این سازمان با وجود پنج سال آماده‌سازی برای پذیرش IFRS، هنوز در تلاش است تا در مورد الزامات شرعی - که استاندارد خاصی ندارد - مشکلات را برطرف سازد.

نتایج یک نظرسنجی که توسط لما^{۵۱} (۲۰۱۷) انجام شد، نشان می‌دهد هزینه‌های بالای پیاده‌سازی، پیچیدگی گزارشگری مالی، فقدان عوامل اجرایی IFRS، فقدان دستورالعمل پیاده‌سازی IFRS، عدم دسترسی به متخصصان شایسته، نیاز آموزشی بالا، آشنایی با چالش‌های فناوری اطلاعات در اجرای IFRS، نبود دستورالعمل‌های مناسب از سوی سازمان‌های نظارتی و مشکل در اجرای طرح مناسب پیاده‌سازی IFRS، و عدم تعهد و طرح مناسب موسسات مالی برای اجرای IFRS و الزامات اصلاح قانون مالیاتی موجود عوامل چالشی پیاده‌سازی IFRS در بانک‌های اتیوپی است.

"گیربنا و همکاران"^{۵۱} (۲۰۱۲) پژوهشی درباره بررسی دیدگاه مدیران اصلی بانک (که مسئول فرآیند گذار به IFRS هستند) برای اجرای IFRS در بانک‌های رومانی انجام دادند. آنها از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده کردند. در این پژوهش، ماهیت پیچیده IFRS، عدم کفایت راهنمای کاربردی و لزوم انطباق با تغییرات مکرر IFRS به عنوان مشکلات مربوط به گزارشگری بر مبنای IFRS شناسایی شدند. همچنین پاسخ‌دهندگان بیشترین هزینه‌های اجرای IFRS را مربوط به سازگاری سیستم‌های فناوری اطلاعات با الزامات IFRS، هزینه‌های مشاوره، آموزش نیروی انسانی و هزینه‌های مالی مشخص کردند.

پژوهش‌های داخلی که درباره موانع یا چالش‌های اجرای IFRS در ایران انجام شده محدود است. این پژوهش‌ها عموماً حوزه یا صنعت خاصی را به صورت موردی بررسی نمی‌کنند و بیشتر به چالش‌های عمومی اجرای IFRS تاکید دارند (موفق و همکاران، ۱۳۹۹- در صنعت بیمه؛ صداقت، ۱۳۹۸؛ بنایی حیدری و همکاران، ۱۳۹۸؛ خلیل‌آباد و پورزمانی، ۱۳۹۶؛ خدادای و همکاران، ۱۳۹۴؛ رحمانی و علی‌پور، ۱۳۸۹) همچنین ویژگی‌های محیطی ایران (ویژگی‌های اقتصادی، قانونی و فرهنگی)، ویژگی‌های مدل کسب و کار بانک‌ها متأثر از بانکداری بدون ربا و مشکلات ساختاری ریشه‌دار در نظام

بانکی سبب شده است موانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران دارای ابعاد گسترده و منحصر به فردی باشد. بنابراین پژوهش حاضر در بسیاری از جنبه‌ها قابل قیاس با تحقیقات داخلی و بین‌المللی نبوده و برای اولین بار در صنعت بانکداری ایران به انجام رسیده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و کاربردی است. با توجه به اینکه داده‌های مشاهده‌شده‌ای در خصوص اجرای IFRS در ایران وجود ندارد، لذا برای انجام آن از پرسشنامه استفاده شده است. بازه زمانی به منظور طراحی، ارسال، جمع‌آوری پرسشنامه و تجزیه و تحلیل اطلاعات در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بوده است. همچنین به منظور جلب همکاری حداکثری و افزایش کیفیت پاسخگویی به پرسش‌ها، نامه پوششی به همراه پرسشنامه برای پاسخ‌دهندگان نهادی خطاب به بالاترین مقام اجرایی و برای صاحب‌نظران به نام خود افراد، همراه با پرسشنامه ارسال شد.

برای پاسخ به پرسش پژوهش مبنی بر شناسایی موانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران؛ ۳۵ عامل بالقوه در خصوص موانع، براساس مطالعات نظام‌مند استخراج گردید. سپس به منظور جلوگیری از تکرار سوالات و زیاد شدن حجم پرسشنامه هر یک از این عوامل به صورت گویه طراحی شد و در قالب یک سوال کلی با موضوع عوامل محدودکننده اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران مطرح گردید. هر یک از گویه‌ها به عنوان فرض‌های پژوهش در نظر گرفته شده است که به دلیل رعایت اختصار مقاله در بخش یافته‌ها به آن پرداخته می‌شود. در طراحی بازه پاسخگویی نیز از طیف لیکرت یازده خانه‌ای استفاده شده است. طیف‌ها به صورت یکطرفه ۰ تا ۱۰ است که در آن صفر به معنای مخالفت با محتوای گویه و ۱۰ بیشترین میزان موافقت با محتوای گویه را دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به خصوص در پژوهش‌های مرتبط با بازارها و صنایع طیف یازده تایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. (دربی شایر و مک دونالد^{۵۲}، ۲۰۰۴). همچنین این طیف پراکندگی پاسخ‌ها را بهتر از طیف‌های ۵ یا ۷ تایی نشان می‌دهد.

جامعه و نمونه پرسش‌شوندگان

جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه اصلی (الف) دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی بانک‌ها و (ب) صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران است که از گروه (الف) خواسته شده است تا در قالب هویت نهادی به پرسش‌ها پاسخ دهند. لذا ارائه اطلاعات جمعیت شناختی برای این گروه موضوعیت ندارد.

الف-۱) بانک‌ها؛ به عنوان مجریان و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی بانک‌ها-با توجه به اهمیت این طبقه، نمونه‌گیری نشده و تمام شماری^{۵۳} صورت‌گرفت به طوری که تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری مجاز شامل ۳۲ مورد اعم از بانک‌های خصوصی، دولتی و موسسات اعتباری مجاز در نظر گرفته شد.

الف-۲) حساب‌رسان بانکی؛ به عنوان اعتباردهندگان به صورت‌های مالی- به دلیل متفاوت بودن کسب و کار بانکی، حسابرسی آن دانش، تخصص و تجربه مرتبط را می‌طلبد، به همین منظور تمامی حساب‌رسان بانکی که طی ۱۰ سال اخیر حسابرسی بانک انجام داده‌اند، شامل ۲۱ گروه حسابرسی شناسایی و به طور کامل پوشش داده شد. در این بخش نیز نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه (تعریف شده) پوشش داده شده است.

الف-۳) نهادهای ناظر شامل؛ بانک مرکزی، بورس اوراق و بهادار تهران، جامعه حسابداران رسمی و کانون کارشناسان رسمی دادگستری- این نهادها با توجه به نقش حائز اهمیت نظارتی که در فرآیند گزارشگری مالی بانک‌ها بر عهده دارند، انتخاب شدند؛ در این بخش نیز جامعه نظارتی در حد کفایت پوشش داده شده است.

ب) صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران- برای شناسایی و انتخاب صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران، ابتدا افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند انتخاب شدند و سپس برای بهینه‌سازی از روش گلوله برفی استفاده شد. ویژگی‌های اصلی برای انتخاب عبارت بوده است از: (۱) آشنایی کافی با گزارشگری مالی بانک‌ها و (۲) آشنایی نسبی با مفاهیم IFRS. با این معیار تعداد ۵۰ نفر انتخاب شدند که عموماً در تخصص‌های مرتبط شامل بانکداری، حسابداری، حسابرسی، ارزشگذاری و ارزیابی و امور مالیاتی فعال بوده و یا هستند. ۷۳ درصد از این افراد دارای تحصیلات دکترا هستند، ۸۱ درصد از آنها در رشته حسابداری تحصیل کرده‌اند، سابقه کار مرتبط با گزارشگری مالی در حوزه بانکی به طور متوسط ۸/۳ سال و در حوزه غیربانکی ۱۷/۴ سال بوده است. ۶۲

درصد از صاحب‌نظران در حوزه حسابداری و حسابرسی و ۴۷ درصد از آنها در حوزه بانکی دارای تجربه هستند. ۶۴ درصد از افراد آشنایی نظری بالایی با IFRS و ۸۱ درصد از آنها آشنایی عملی متوسط به بالا با آن دارند. اطلاعات کامل‌تر در خصوص آمار جمعیت شناختی و تخصصی گروه صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران به شرح جدول ۱ است. همچنین آمار توصیفی ارسال و دریافت پرسشنامه‌ها بر اساس گروه پاسخ‌دهندگان به شرح جدول ۲ ارائه می‌گردد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی گروه صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران

			مؤلفه‌ها		
			مذکر	مونث	جنسیت
			۹۵	۵	(درصد فراوانی)
			کارشناسی ارشد	دکتر	تحصیلات
			۲۷	۷۳	(درصد فراوانی)
			حسابداری	مالی	رشته تحصیلی
			۸۱	۵	(درصد فراوانی)
			بانکی	غیربانکی	سابقه کار مرتبط با
			۸/۳	۱۷/۴	(میانگین - سال)
			بانکداری	حسابداری	تخصص و تجارب حرفه‌ای
			۴۷	۶۲	(درصد)
			خیلی کم	کم	میزان آشنایی نظری با
			۰	۲	(درصد فراوانی)
			خیلی کم	کم	میزان آشنایی عملی با IFRS
			۲	۱۷	(درصد فراوانی)
مالیاتی	ارزشگذاری	نظارت	حسابرسی	حسابداری	تخصص و تجارب حرفه‌ای
۲۰	۳۱	۳۱	۶۲	۶۲	(درصد)
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میزان آشنایی نظری با
۱۰	۵۴	۳۴	۲	۰	(درصد فراوانی)
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میزان آشنایی عملی با IFRS
۷	۱۵	۵۹	۱۷	۲	(درصد فراوانی)

جدول ۲. ترکیب پرسش‌شوندگان

نرخ بازگشت	تعداد پرسشنامه دریافتی	ساختار پاسخ‌دهی	تعداد پرسشنامه ارسالی	شرح
%۹۱	۲۹	نهادی (گروهی)	۳۲	بانک‌ها
%۷۸	۱۴	نهادی (گروهی)	۱۸	حسابرسان بانک‌ها
%۱۰۰	۱۲	نهادی (گروهی)	۱۲	نظارت بانک مرکزی
%۷۵	۳	نهادی (گروهی)	۴	سایر نهادهای ناظر (جامعه حسابداران رسمی)

				سازمان بورس و اوراق بهادار و کانون کارشناسان رسمی دادگستری)
٪۱۰۰	۳	نهادی (گروهی)	۳	سازمان حسابرسی
٪۹۰	۴۵	فردی	۵۰	صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران
٪۹۰	۱۰۶		۱۱۹	جمع

اعتبار و پایایی پرسشنامه

برای مرحله پایلوت تعداد ۷ نفر از متخصصان بانکی، حساب‌برسان بانک‌ها و صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشی انتخاب شدند و طبق پیشنهاد آنها تعداد ۳ نفر دیگر به این مرحله اضافه گردید. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا علاوه بر بررسی روایی پرسش‌ها اگر نظر دیگری را نسبت به پرسشنامه دارند، ارائه نمایند. پس از جمع‌آوری پایلوت‌ها، علاوه بر بررسی روایی و پایایی پرسشنامه، پیشنهادهای تعدیل ساختاری و محتوایی خبرگان در پرسشنامه اعمال شد. روایی پرسشنامه با جدول اعتبار آزمون سی. اچ. لاشه^{۵۴} (۱۹۷۵) براساس نظرات ۱۰ خبره سنجیده شد. از آنجا که حداقل نسبت روایی مورد نیاز برای ۱۰ نفر پایلوت ۶۲٪^{۵۵} است و روایی تمام پرسش‌ها نزدیک به ۱۰۰٪ بود، روایی پرسشنامه تایید شد. در این پژوهش پایایی^{۵۶} پرسش‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ در تمام پرسش‌ها بالای ۰/۸۵ درصد بدست آمد و این موضوع به این معناست که همه پرسش‌ها از پایایی مناسب و قابل قبولی برخوردارند.

تجزیه و تحلیل پرسشنامه

روش تحلیل آمار فازی با استفاده از منطق فازی مثلثی

اعداد فازی نوع خاصی از مجموعه فازی است که با تابع عضویت نمایش داده می‌شود (سرشت و فایک^{۵۷}، ۲۰۱۹). بعضی اوقات ممکن است نتوان برخی داده‌ها یا اعداد را به دلیل خطای روش اندازه‌گیری یا ابزار، عیناً و دقیقاً تعیین کرد. ولی با فازی کردن عدد می‌توان مقدار آن را دقیقاً مشخص کرد. به طور کلی، عدد فازی مثلثی "a" را می‌توان به صورت $(a - \alpha, a, a + \beta)$ نشان داد به طوری که α و β به ترتیب کران‌های^{۵۸} بالا و پایین "a" است.

عدد فازی مثلثی که با $A = \langle a, \alpha, \beta \rangle$ نشان داده می‌شود، تابع عضویت آن به شرح

رابطه ۱ است:

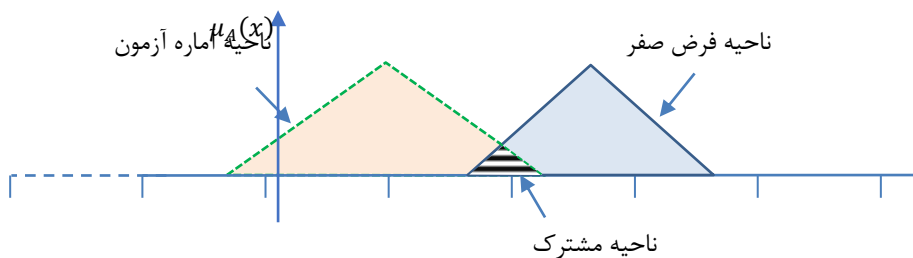
رابطه (۱)

$$\mu_A(x) = \begin{cases} 0 & x < a - \alpha \\ 1 - \frac{a-x}{\alpha} & a - \alpha \leq x < a \\ 1 & x = a \\ 1 - \frac{x-a}{\beta} & a < x \leq a + \beta \\ 0 & x > a + \beta \end{cases}$$

اگر هر دو کران عدد فازی مثلثی برابر باشد (یعنی اگر $\alpha = \beta$ باشد)، به آن متقارن گفته می‌شود (شایمال و پال^۹، ۲۰۰۷).

در روش تحلیل اختصاصی این پژوهش نیز $\alpha = \beta$ و برابر با "عدد یک" در نظر گرفته شده است. عدد فازی به صورت (x_{a-1}, x_a, x_{a+1}) تعریف می‌شود و $0 \leq x \leq 10$ و سطح اطمینان ۹۵٪ در نظر گرفته شده است. برای انجام آزمون و محاسبه p -value مقدار آماره آزمون بر حسب فرض صفر، تبدیل به داده فازی شده و سپس در فضای آزمون فرض قرار می‌گیرد. نسبت مساحت مجموعه مشترک بین دو مثلث به مساحت مثلث فرض صفر مقدار p -value است. همچنین همانند فروض کلاسیک، اگر $p\text{-value} < \alpha$ در آن صورت فرض صفر رد خواهد شد و به این معناست که دو مجموعه با اطمینان ۹۵٪ اشتراکی ندارند. ناحیه فرض صفر، ناحیه آماره آزمون و ناحیه مشترک در شکل ارائه شده است:

شکل ۱. نمودار P-VALUE



فرض صفر: عضویت در عدد فازی مثلثی (۷،۸،۹) به عنوان فرض صفر کلی در نظر گرفته شده است. آزمون فرض این پژوهش به صورت رابطه (۲) است.

$$\begin{cases} H_0: \mu_a(x) \in (7,8,9) \\ H_1: \mu_a(x) \notin (7,8,9) \end{cases} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در این پژوهش به دنبال تایید شدن H_0 هستیم، بنابراین اگر مقدار P کمتر از ۰/۰۵ شود

فرض صفر رد خواهد شد. به عنوان مثال در گویه ۷ با عنوان "عدم ثبات اقتصادی" (تمامی گویه‌ها در بخش یافته‌ها مطرح شده‌اند) فرض صفر این گونه در نظر گرفته می‌شود که "عدم ثبات اقتصادی اثر محدودکنندگی زیادی در اجرای IFRS در بانک‌های ایران دارد" و اگر مقدار P یا سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ شود، این فرض رد خواهد شد.

تاپسیس (TOPSIS)^{۶۰}

پس از انجام آزمون فرض، به منظور شناسایی تاثیرگذارترین عوامل و رتبه‌بندی آنها، از آزمون تاپسیس استفاده شد. تاپسیس توسط هوانگ و یون^{۶۱} در سال ۱۹۸۱ توسعه داده شد و یک روش ساده رتبه‌بندی در مفهوم و کاربرد است. روش استاندارد تاپسیس سعی در انتخاب گزینه‌هایی دارد که به طور همزمان کمترین فاصله را از راه حل ایده آل مثبت و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی داشته باشند (بهزادیان و همکاران، ۲۰۱۲).

آزمون تحلیل واریانس و دسته‌بندی فیشر^{۶۲}

با توجه به این که پرسشنامه پژوهش حاضر برای گروه‌های مختلفی که در بخش "جامعه و نمونه" معرفی شد، ارسال گردید؛ لذا برای بررسی وجود تفاوت دیدگاه‌ها در بین این گروه‌ها از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده است. سپس در حالت معنادار بودن تفاوت دیدگاه‌ها، از دسته‌بندی فیشر استفاده گردید. بر این اساس، گروه‌های مشابه‌تر در پاسخ، در یک دسته قرار می‌گیرند و با حروف انگلیسی یکسان نمایش داده می‌شود (دسته‌های A، B یا C).

بدین منظور، داده‌های پرسشنامه، بصورت مرتب، بر حسب گروه‌های پاسخ‌دهنده، در محیط اکسل ثبت و کدگذاری شده محاسبات آماری مربوط به هر سوال با استفاده از نرم‌افزارهای R و Minitab انجام شد.

یافته‌ها

در پاسخ به پرسش پژوهش مبنی بر اینکه "موانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران کدام است؟ پرسش "عوامل محدودکننده اجرای IFRS در بانک‌های ایران" - شامل ۳۵ گویه - در پرسشنامه مطرح شد.

داده‌های حاصل از این پرسش با استفاده از منطق فازی مثلثی تجزیه و تحلیل شد. سپس به منظور رتبه‌بندی گویه‌ها از آزمون تاپسیس استفاده شد. یافته‌های پژوهش در رابطه با این پرسش به شرح جدول ۳ است که به ترتیب امتیاز تاپسیس مرتب شده است.

گویه‌هایی که در آزمون فرض پذیرش نمی‌شوند، دو گویه "ناهماهنگی مقررات احتیاطی ابلاغی بانک مرکزی با IFRS" و "عدم تمایل مدیران بانک‌ها به اجرای IFRS به دلیل آشنا نبودن با پیامدهای مثبت آن" است. به این ترتیب تمامی گویه‌های این سوال به جز دو مورد فوق‌الذکر به عنوان موانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران شناسایی می‌شود. با توجه به گویه‌هایی که در آزمون فرض پذیرش شده‌اند، رئوس عوامل محدودکننده در اجرای IFRS شامل عوامل کلان اقتصادی، ضعف قوانین و مقررات، ظرفیت ناکافی نهادهای نظارتی، عدم وجود و یا ناکافی بودن پایگاه داده‌های اطلاعاتی، ضعف حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی، مدل کسب و کار بانک‌ها، ضعف مدیریت ریسک بانک‌ها، ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات، عوامل فرهنگی، ضعف دانش و دانش و تخصص و مهارت قضاوت حرفه‌ای دست‌اندرکاران گزارشگری مالی بانک‌ها و هزینه‌های اجرا است.

امتیازهای آزمون تاپسیس در جدول ۳ نشان می‌دهد مهم‌ترین مانع بانک‌ها در اجرای IFRS، نبود سیستم‌ها و فرآیندهای مناسب طبق الزامات IFRS، نبود اطلاعات و داده‌های کافی در زمینه‌های مختلف، عوامل اقتصادی و مدیریت ریسک است.

جدول ۳. آزمون تاپسیس درباره عوامل محدودکننده اجرای IFRS

ردیف	گویه‌ها	میانگین (انحراف معیار)	سطح معنی‌داری (نتیجه)	امتیاز تاپسیس
۱	عدم وجود سیستم‌ها و فرآیندهای مناسب شناخت، طبقه‌بندی و اندازه‌گیری منطبق بر پیش‌نیازهای IFRS	۸/۷۵ (۱/۲۸)	۰/۹۷ (پذیرش)	۰/۷۷
۲	عدم دسترسی به موقع به اطلاعات آماره‌ها و متغیرهای اقتصادی قابل اتکا (مورد نیاز IFRS)	۸/۷ (۱/۳۶)	۱ (پذیرش)	۰/۷۶
۳	ویژگی‌های محیط کسب و کار متأثر از اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی ایران	۸/۵۳ (۱/۶۴)	۱ (پذیرش)	۰/۷۴
۴	عدم استقرار نظام مدیریت ریسک کارآمد در بانک‌ها (شامل فرآیندها، سیستم‌های نرم‌افزاری و ...)	۸/۴۶ (۱/۴۹)	۱ (پذیرش)	۰/۷۲
۵	عدم وجود بانک اطلاعاتی قابل اتکا و جامع در ارتباط با سوابق تجمیعی مشتریان در نظام بانکی	۸/۳۸ (۱/۴۸)	۱ (پذیرش)	۰/۷۲

ردیف	گویه‌ها	میانگین (انحراف معیار)	سطح معنی‌داری (نتیجه)	امتیاز تاپسیس
۶	ضعف دانش و تخصص دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی نسبت به IFRS	۸/۳۷ (۱/۷۶)	۱ (پذیرش)	۰/۷۰
۷	عدم ثبات اقتصادی	۸/۳۸ (۱/۸۸)	۱ (پذیرش)	۰/۷۰
۸	ضعف کنترل‌های داخلی متناسب با نیازهای IFRS	۸/۱۱ (۱/۶۱)	۱ (پذیرش)	۰/۶۸
۹	عدم ثبات در سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات کسب‌وکارها	۸/۱۰ (۱/۶۰)	۱ (پذیرش)	۰/۶۷
۱۰	عدم انعطاف‌پذیری نظام قانون‌گذاری ایران برای سازگاری با تغییرات سریع IFRS	۸/۲۳ (۱/۹۵)	۱ (پذیرش)	۰/۶۶
۱۱	ناسازگاری فرهنگ گزارشگری مالی ایران با سطوح افشا و شفافیت الزام‌شده در IFRS	۷/۹۶ (۱/۷۲)	۱ (پذیرش)	۰/۶۶
۱۲	حاکمیت شرکتی ضعیف	۸/۰۷ (۱/۸۷)	۱ (پذیرش)	۰/۶۶
۱۳	عدم یکپارچگی و غیرمنعطف بودن سیستم‌های فعلی فناوری اطلاعات بانک‌ها	۸/۱۶ (۱/۸۶)	۱ (پذیرش)	۰/۶۵
۱۴	عدم استقرار نظام حسابرسی داخلی کارآمد در بانک‌ها (شامل فرآیندها، سیستم‌های نرم‌افزاری و ...)	۸/۰۳ (۱/۶۴)	۱ (پذیرش)	۰/۶۵
۱۵	ضعف قضاوت حرفه‌ای دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی	۸ (۱/۸۳)	۱ (پذیرش)	۰/۶۵
۱۶	ظرفیت ناکافی قوانین و مقررات مالیاتی ایران	۷/۹۲ (۲/۰۷)	۱ (پذیرش)	۰/۶۳
۱۷	تفاوت صنعت بانکداری ایران از حیث قوانین و مقررات حاکم، و مدل کسب‌وکار با بانکداری رایج بین‌المللی	۸/۰۴ (۲/۱۴)	۱ (پذیرش)	۰/۶۳
۱۸	ظرفیت ناکافی نظارتی بر حرفه ارزشگذاری	۷/۸ (۲/۲۳)	۱ (پذیرش)	۰/۶۲
۱۹	ضعف دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی در استفاده از منابع انگلیسی مرتبط با IFRS	۷/۶۰ (۲/۰۷)	۰/۸ (پذیرش)	۰/۶۱
۲۰	تحریم‌های اقتصادی و بانکی	۷/۶۰ (۲/۵۵)	۱ (پذیرش)	۰/۵۷
۲۱	عدم کفایت قوانین و مقررات نظارتی (بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، نهاد ناظر ارزشگذاری)	۷/۴۲ (۱/۹۷)	۰/۶۵ (پذیرش)	۰/۵۷
۲۲	پیچیدگی IFRS	۷/۳۴ (۲/۱۸)	۰/۶۱ (پذیرش)	۰/۵۷
۲۳	عدم انگیزه اجرای IFRS ناشی از افق	۷/۳۷ (۲/۳۷)	۰/۶۵ (پذیرش)	۰/۵۷

ردیف	گویه‌ها	میانگین (انحراف معیار)	سطح معنی‌داری (نتیجه)	امتیاز تأپسیس
	کوتاه‌مدت مدیریتی (دوره کوتاه‌مدت تصدی اعضای هیات مدیره بانک‌ها در ایران)			
۲۴	ظرفیت ناکافی نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار	۷/۱۲ (۲/۰۲)	۰/۴۵ (پذیرش)	۰/۵۵
۲۵	تورم بالا-دو رقمی	۷/۲۷ (۲/۴۸)	۰/۵۸ (پذیرش)	۰/۵۳
۲۶	ظرفیت ناکافی نظارتی بانک مرکزی	۷/۰۶ (۲/۱۰)	۰/۴۲ (پذیرش)	۰/۵۲
۲۷	ساختار سهامداری غیرشفاف و نامتعارف بانک‌ها	۷/۰۶ (۲/۴۷)	۰/۴۵ (پذیرش)	۰/۵۲
۲۸	تعدد شرکت‌های تابعه بانک‌ها با زمینه‌های فعالیت متنوع (دشواری فرآیند تلفیق)	۶/۹۲ (۲/۲۸)	۰/۳۵ (پذیرش)	۰/۵۲
۲۹	ظرفیت ناکافی نظارتی بر حرفه حسابرسی مستقل	۶/۹۳ (۲/۲۹)	۰/۳۶ (پذیرش)	۰/۵۲
۳۰	هزینه‌های پیاده‌سازی IFRS در سطح بانک‌ها- (شامل هزینه‌های تهیه اطلاعات مالی و حسابرسی، آموزش، مشاوره، تغییر سیستم‌های نرم‌افزاری و ...)	۶/۹۸ (۲/۲۲)	۰/۳۸ (پذیرش)	۰/۵۱
۳۱	هزینه‌های پیاده‌سازی IFRS در سطح ملی (شامل ایجاد نهادهای مرتبط، زیرساخت‌های اطلاعاتی، تغییر یا اصلاح قوانین و مقررات و ...)	۶/۸۹ (۲/۳۱)	۰/۳۴ (پذیرش)	۰/۵۰
۳۲	ناسازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با IFRS	۶/۶۷ (۲/۸۳)	۰/۲۶ (پذیرش)	۰/۴۷
۳۳	ضوابط شرعی تعریف شده در قانون بانکداری بدون ربا حاکم بر نحوه تعامل بانک با سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان	۶/۴۰ (۲/۸۶)	۰/۱۴ (پذیرش)	۰/۴۴
۳۴	عدم تمایل مدیران بانک‌ها به اجرای IFRS به دلیل آشنا نبودن با پیامدهای مثبت آن	۴/۹۶ (۲/۴۲)	۰/۰۰ (رد)	۰/۳۸
۳۵	ناهماهنگی مقررات احتیاطی ابلاغی بانک مرکزی با IFRS	۴/۱۲ (۲/۴۰)	۰/۰۰ (رد)	۰/۳۲

نتایج آزمون تحلیل واریانس و دسته‌بندی فیشر: در گویه ۲۳ "عدم انگیزه اجرای IFRS ناشی از افق کوتاه‌مدت مدیریتی" نشان می‌دهد که دیدگاه "صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران"، "موسسات حسابرسی" و "نظارت" به یکدیگر نزدیکتر بوده و در دسته (A)

قرار گرفته و میانگین نسبتا بالاتری نسبت به گروه‌های دیگر دارند. همچنین "بانک‌ها" و "سازمان حسابرسی" در دسته (B) قرار می‌گیرند و میانگین پایین‌تری نسبت به گروه‌های دسته (A) دارند. به نظر می‌رسد گروه‌های دسته (B) - بانک‌ها و سازمان حسابرسی - "عدم انگیزه اجرای IFRS ناشی از افق کوتاه‌مدت مدیریتی" را مانع جدی برای اجرای IFRS نمی‌بینند.

در گویه ۲۵ "تورم بالا" نتایج نشان می‌دهد که "مؤسسات حسابرسی" در یک گروه جداگانه (A) قرار می‌گیرند و بالاترین میانگین را نیز بین گروه‌ها دارند. به نظر می‌رسد این گروه "تورم بالا" را مانع جدی‌تری برای اجرای IFRS نسبت به گروه‌های "صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران" و "نظارت" می‌بینند که در دسته (B) قرار دارند.

عوامل بیان‌شده در این پرسش به چند مقوله قابل طبقه‌بندی است:

(۱) سطح کلان: به عواملی اشاره دارد که مانع‌زدایی اغلب آنها خارج از عهده یک نهاد (بانک‌ها، بانک مرکزی و سایر نهادهای متولی) است و نیازمند تصمیم‌گیری جمعی و یا در سطوح بالاتر است. این موضوعات شامل عوامل اقتصادی، قوانین و مقررات، و هزینه‌های اجرای IFRS در سطح ملی است.

(۲) سطح نظارت و نهادهای متولی: در این مقوله عوامل محدودکننده اجرای IFRS که رفع آن در حیطه اختیار بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، جامعه حسابداران رسمی و کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مشاوران قوه قضایه است، مورد بررسی قرار گرفته است.

(۳) سطح بانک: در این مقوله عوامل محدودکننده در اجرای IFRS در سطح بانک‌ها مورد پرسش قرار گرفته است که شامل حاکمیت شرکتی، کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی، کسب و کار بانک، ریسک و اعتبارات، زیرساخت‌های اطلاعات و فناوری اطلاعات، عوامل فرهنگی، پیچیدگی فنی و هزینه‌های اجرای IFRS در سطح بانک است.

(۴) دانش و تخصص: در این مقوله میزان دانش و تخصص افراد دست‌اندرکار در فرآیند گزارشگری مالی نسبت به IFRS مورد پرسش قرار گرفت. این افراد شامل تمامی افراد درگیر در پروژه اجرای IFRS هستند که به تناسب جایگاه خود در پروژه گذار باید دارای سطح خاصی از دانش و تخصص باشند.

مواع شناسایی شده با توجه به مقوله‌های فوق‌الذکر و با توجه به رتبه تاپسیس به ترتیب

اهمیت در هر مقوله به شرح جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. خلاصه یافته‌های پرسشنامه - موانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران

موانع در سطح کلان	<ul style="list-style-type: none"> ویژگی‌های محیط کسب و کار متاثر از اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی ایران عدم ثبات اقتصادی عدم ثبات در سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات کسب و کارها عدم انعطاف‌پذیری نظام قانون‌گذاری ایران برای سازگاری با تغییرات سریع IFRS ظرفیت ناکافی قوانین و مقررات مالیاتی ایران تحریم‌های اقتصادی و بانکی عدم کفایت قوانین و مقررات نظارتی (بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، نهاد ناظر ارزشگذاری) تورم بالا ناسازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با IFRS هزینه‌های پیاده‌سازی IFRS در سطح ملی (شامل ایجاد نهادهای مرتبط، زیرساخت‌های اطلاعاتی، تغییر و یا اصلاح قوانین و مقررات و ...)
موانع در سطح نظارت و نهادهای متولی	<ul style="list-style-type: none"> عدم دسترسی به موقع به اطلاعات آماره‌ها و متغیرهای اقتصادی قابل اتکا (مورد نیاز IFRS) عدم وجود بانک اطلاعاتی قابل اتکا و جامع در ارتباط با سوابق تجمیعی مشتریان در نظام بانکی ظرفیت ناکافی نظارتی بر حرفه ارزشگذاری ظرفیت ناکافی نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار ظرفیت ناکافی نظارتی بانک مرکزی ظرفیت ناکافی نظارتی بر حرفه حسابرسی مستقل
موانع در سطح بانک	<ul style="list-style-type: none"> عدم وجود سیستم‌ها و فرآیندهای مناسب شناخت، طبقه‌بندی و اندازه‌گیری منطبق بر پیش‌نیازهای IFRS عدم استقرار نظام مدیریت ریسک کارآمد در بانک‌ها (شامل فرآیندها، سیستم‌های نرم‌افزاری و ...) ضعف کنترل‌های داخلی متناسب با نیازهای IFRS ناسازگاری فرهنگ گزارشگری مالی ایران با سطوح افشا و شفافیت الزام‌شده در IFRS حاکمیت شرکتی ضعیف عدم یکپارچگی و یا غیرمنعطف بودن سیستم‌های فعلی فناوری اطلاعات بانک‌ها عدم استقرار نظام حسابرسی داخلی کارآمد در بانک‌ها (شامل فرآیندها، سیستم‌های نرم‌افزاری و ...) تفاوت صنعت بانکداری ایران از حیث قوانین و مقررات حاکم، و مدل کسب و کار با بانکداری رایج بین‌المللی پیچیدگی IFRS عدم انگیزه اجرای IFRS ناشی از افق کوتاه‌مدت مدیریتی (دوره کوتاه‌مدت تصدی اعضای هیات مدیره بانک‌ها در ایران) ساختار سهامداری غیرشفاف و نامتعارف بانک‌ها تعدد شرکت‌های تابعه بانک‌ها با زمینه‌های فعالیت متنوع (دشواری فرآیند تلفیق) هزینه‌های پیاده‌سازی IFRS در سطح بانک‌ها (شامل هزینه‌های تهیه اطلاعات مالی و حسابرسی، آموزش، مشاوره، تغییر سیستم‌های نرم‌افزاری و ...) ضوابط شرعی تعریف شده در قانون بانکداری بدون ربا حاکم بر نحوه تعامل بانک با سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان
موانع دانش و تخصص	<ul style="list-style-type: none"> ضعف دانش و تخصص دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی نسبت به IFRS ضعف قضاوت حرفه‌ای دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی ضعف دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی در استفاده از منابع انگلیسی مرتبط با IFRS

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه و دریافت نظرات طیف گسترده‌ای از مجریان، خبرگان حرفه و صاحب‌نظران در حوزه بانکی، موانع پیاده‌سازی IFRS در صنعت بانکداری ایران شناسایی شد.

سطح کلان: علاوه بر نظام اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی، عدم ثبات اقتصادی و عدم ثبات در سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات کسب و کارها که بر اکثر فعالیت‌های بانکی اثرگذار است، می‌توان به به اصول محور بودن IFRS و سازگاری آن با نظام‌های قانونی اصول محور اشاره کرد. این ماهیت IFRS، با ماهیت نظام قانونی کدنوشته در ایران همخوانی نداشته و ممکن است نتواند خود را با تغییرات سریع در IFRS هماهنگ سازد. این عامل با تحقیقات دوپینگ و سالتر (۱۹۹۵)، و بال و همکاران (۲۰۰۰) مطابقت دارد. همچنین ظرفیت ناکافی قوانین و مقررات مالیاتی به عنوان یکی دیگر از موانع اجرای IFRS در این پژوهش شناسایی شد. لما (۲۰۱۷) نیز در تحقیق خود اصلاح قانون مالیاتی موجود را به عنوان یکی از عوامل چالشی شناسایی کرد. مساله دیگر تحریم‌های اقتصادی و بانکی است که مرادفات بین‌المللی را به شدت کاهش داده است و می‌تواند عامل بازدارنده بانک‌ها برای اجرای IFRS باشد. کوک و والاس (۱۹۹۰)، و ذقال و مذبی (۲۰۰۶) نیز از اقتصاد باز به عنوان عوامل موثر بر توسعه و پذیرش IFRS یاد می‌کنند. همچنین رحمانی و علیپور (۱۳۸۹) پایین بودن سطح مبادلات بین‌المللی به خصوص از لحاظ تامین منابع مالی را از موانع اصلی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران شناسایی کردند. عدم کفایت قوانین و مقررات نظارتی (بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، نهاد ناظر ارزشگذاری) سبب شده است که قوانین و مقررات موجود از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نباشد. با توجه به ماهیت اصول محور IFRS که با قضاوت‌های فراوان همراه است، عدم تجدید نظر در قوانین و مقررات نظارتی می‌تواند سودجویی افراد دست‌اندرکار در گزارشگری مالی بانک‌ها را به همراه داشته باشد. طبق الزامات IAS29 و آمارهای رسمی منتشره، ایران جزء کشورهای با تورم حاد قرار می‌گیرد. این موضوع موجب تجدید ارائه اقلام غیر پولی ترازنامه در پایان دوره و براساس شاخص عمومی قیمت خواهد شد. با توجه به اینکه برای تعیین شاخص عمومی قیمت در برخی شرایط قضاوت لازم است و همچنین قابل توجه بودن حجم این اقلام در بانک‌های ایران، پیش‌بینی می‌شود تورم بالا

گزارشگری مالی بانک‌ها را با چالش مواجه کند. ناسازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با بانکداری رایج بین‌المللی و IFRS اگرچه طبق آزمون تاپسیس جزء رتبه‌های پایین قرار دارد ولی می‌تواند چالش‌هایی را به لحاظ تطابق ابزارهای مالی اسلامی با IFRS به همراه داشته باشد.

سطح نظارت و نهادهای متولی: علاوه بر در دسترس نبودن اطلاعات مورد نیاز بانک‌ها برای محاسبات مورد نیاز IFRS که در حوزه اختیار مقام ناظر (بانک مرکزی) است؛ می‌توان به ظرفیت‌های ناکافی نظارتی بر حرفه ارزشگذاری، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی و حرفه حسابرسی مستقل به عنوان موانع اجرای IFRS اشاره کرد. در آزمون تاپسیس ظرفیت ناکافی نظارتی بر حرفه ارزشگذاری امتیاز بالاتری نسبت به دیگر موارد کسب کرده است و این قضیه نشان از مهم بودن نظارت درست بر فرآیندهای ارزشگذاری در بانک‌های ایران دارد. به طور کلی علاوه بر عدم کفایت قوانین و مقررات نظارتی که در سطح کلان به آن اشاره شد؛ فرآیندهای اجرایی نظارتی هم با کاستی‌هایی روبروست و در صورت عدم تجدید نظر و عدم تطابق آن با ماهیت اصول محور و قضاوت محور IFRS، اجرای صحیح و اصولی IFRS را با چالش مواجه خواهد کرد.

سطح بانک: بانک‌ها برای اجرای IFRS با چالش‌های فراوانی روبرو هستند. عدم وجود سیستم‌ها و فرآیندهای مناسب شناخت، طبقه‌بندی و اندازه‌گیری منطبق بر پیش‌نیازهای IFRS و عدم استقرار نظام مدیریت ریسک کارآمد در بانک‌ها در آزمون تاپسیس امتیازهای بالایی را کسب کرده‌اند. بانک‌های ایران در حوزه مدیریت ریسک عملکرد قابل قبولی ندارند و حتی در بسیاری از موارد الزامات فعلی بانک مرکزی را نیز رعایت نمی‌کنند. با توجه به اینکه با اجرای الزامات IFRS تغییر اساسی در کدینگ حساب‌ها به وجود می‌آید، لازم است حسابرسی داخلی و کنترل‌های داخلی نیز متناسب با نیازهای IFRS به روز شود. از طرفی همانطور که در بخش ادبیات پژوهش عنوان شد؛ با وجود تاکید IFRS بر شفافیت، ایران فاصله زیادی با امتیاز بهینه در ارزش حسابداری شفافیت دارد. بنابراین ناسازگاری فرهنگ گزارشگری مالی ایران با سطوح افشا و شفافیت الزام شده در IFRS یکی از موانع اجرا است. اگر چه حاکمیت شرکتهای کارا و اثربخش جزء الزامات IFRS نیست، ولی وجود آن به پیاده‌سازی اصولی IFRS کمک خواهد کرد. بنابراین حاکمیت شرکتهای ضعیف و ساختار سهامداری غیرشفاف و نامتعارف

بانک‌های مانعی جدی برای اجرا خواهد بود. یکی دیگر از چالش‌های اکثر بانک‌ها نبود زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب برای فناوری اطلاعات است. لما (۲۰۱۷) نیز آشنایی با چالش‌های فناوری اطلاعات و گیرینا و همکاران (۲۰۱۲) ارتقای سیستم‌های نرم‌افزاری را به عنوان یکی از عوامل چالشی پیاده‌سازی IFRS در بانک‌ها عنوان می‌کنند. همچنین عامل دیگر سیطره قانون عملیات بانکی بدون ربا بر فعالیت بانک‌ها و ابزارهای مالی است که مدل کسب و کار بانک‌های ایران را از بانکداری رایج بین‌المللی متفاوت کرده است. عامل دیگری که به عنوان مانع اجرای IFRS در صنعت بانکداری ایران شناسایی شد، عدم انگیزه اجرای IFRS ناشی از افق کوتاه‌مدت مدیریتی است. در تجارب بین‌المللی به نقش مهم مدیران و انگیزه‌هایشان در فرآیند گذار به IFRS تاکید شده است. افراد دست‌اندرکار در اجرای IFRS، علاوه بر داشتن دانش فنی که دانش تئوری الزامات IFRS است، باید تجربه عملی لازم را نیز دارا باشند. همچنین با توجه به اصول‌محور بودن IFRS داشتن مهارت قضاوت حرفه‌ای نقش مهمی در پروژه گذار و اجرای الزامات IFRS دارد. موانع شناسایی شده در خصوص دانش و تخصص با پژوهش‌های لما (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

این پژوهش به دلیل نوع روش‌شناسی پیمایشی با محدودیتهایی روبرو بوده است که خوانندگان در تعمیم یافته‌های پژوهش باید جانب احتیاط را مد نظر قرار دهند. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تمایل پاسخ‌دهندگان به بیش‌نمایی ویژگی‌های مثبت سازمانی و فردی، و کم‌نمایی ویژگی‌های منفی، تجربه محدود اجرایی نسبت به IFRS در صنعت بانکداری ایران، عدم امکان مشاهده میدانی کامل (مشاهده نمونه‌ای) از سیستم‌های اطلاعاتی، فرآیندها و امکانات بانک‌ها و ویژگی‌های خاص محیط گزارشگری مالی بانک‌های ایران اشاره کرد.

یادداشت‌ها:

۱. این مقاله مستخرج از بخشی از نتایج یک پروژه تحقیقاتی است که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی انجام شده است.
2. International Accounting Standards Board
3. International Financial Reporting Standards
4. Choi & Levich
5. Samuels
6. Radebaugh & Gray
7. Roberts et al.
8. Alexander et al.
9. Alkhtani
10. Alsaqqa
11. Nobes
12. Common Law
13. Code Law
14. Porta et al.
۱۶. این موضوع با تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، در قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکداری ایران تاثیرگذار بوده است.
15. Ball et al
17. Hofstede
18. Gray
19. Borker
20. Jaggi
21. Baydoun & Willett
22. Sawan
23. Arpan
24. Puxty et al.
25. Cooke & Wallace
26. Zeghal and Mhedhbi
۲۷. غیر از اقلامی که در پایان دوره گزارشگری به مبالغ جاری مانند خالص ارزش فروش و ارزش منصفانه ارائه می‌شوند.
28. Economic Freedom
29. Size of Government
30. Legal System and Property Rights
31. Sound Money
32. Freedom to Trade Internationally
33. Regulation
34. Parker
35. Irvine & Lucas
36. Joshi & Ramadhan

- | | |
|---|--|
| 37. Alsuhaibani | 38. Alsulami |
| 39. Jermakowicz | 40. Kolsi & Zehri |
| 41. Almotairy | 42. Yapa |
| 43. Leuz | 44. Basel |
| 45. Juhmani | 46. Blockholder Ownership |
| 47. Thompson | 48. Batra |
| 49. Almansour | 50. Lema |
| 51. Girbina et al. | 52. Darbyshire & Mcdonald |
| 53. Complete Enumeration Survey | 54. C. H. LAWSHE |
| ۵۵. طبق ضریب لاشه حداقل روایی مورد نیاز برای ۱۰ ارزیاب، ۰/۶۲ است. | 56. Reliability |
| 57. Seresht & Fayek | 58. spreads |
| 59. Shyamal & Pal | 60. Technique for Order of Preference by Similarity to Ideal |
| 61. Hwang and Yoon | 62. Fisher LSD Grouping |

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). بخشنامه صورت‌های مالی نمونه موسسات اعتباری، شماره ۹۷/۲۳۳۸۶۰، ویرایش چهارم.
- بدری، احمد (۱۳۹۵). بحران شفافیت در گزارشگری مالی بانک‌ها در ایران: تحلیل آسیب‌شناسانه. سی و هشتمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران. ماهنامه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۲۹۸.
- بدری، احمد (۱۳۹۵). چرخه معیوب سود موهوم. روزنامه دنیای اقتصاد، مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰، شماره خبر ۱۰۸۹۰۱۲، شماره روزنامه ۳۹۷۰.
- بدری، احمد؛ و زمان زاده، حمید. (۱۳۹۶). تحلیل آثار ناترازی ترانزانه نظام بانکی بر متغیرهای پولی و راهکارهای تعدیل این ناترازی. پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۰(۳۴)، ۶۵۶-۶۲۱.
- بنائی خلیل آباد، مریم. و پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر عوامل فرهنگی بر اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۲)، ۱۷۷-۲۰۲.

حیدری، محمد؛ طاهرآبادی، علی‌اصغر؛ جمشیدی نوید، بابک. و قنبری، مهرداد. (۱۳۹۸).
تأثیر عوامل محیطی کشورها بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی.
فصلنامه حسابداری مالی، ۱۱(۴۱)، ۴۶-۶۹.

خدادادی، ولی؛ واعظ، سیدعلی. و رودبار شجاعی، علی. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر پذیرش
استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه حسابداری
مالی، ۸(۳۰)، ۱۲۲-۱۴۲.

رحمانی، علی. و علی‌پور، شراره (۱۳۸۹). موانع پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری
در ایران. فصلنامه مطالعات حسابداری، ۳(۲۷)، ۷۵-۹۹.

رضائی، علی؛ جهانشاد، آریتا؛ و تقی نتاج ملک شاه، غلامحسین. (۱۳۹۸). شناسایی و
رتبه‌بندی چالش‌های پیاده‌سازی مدل زیان اعتباری موردانتظار در بانک‌های ایران با
استفاده از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی فازی و ارائه راهکار به کمک روش واسپاس.
بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲)، ۲۳۹-۲۵۴.

زمان‌زاده، حمید. و الحسنی، صادق. (۱۳۹۱). *اقتصاد ایران در تنگنای توسعه* (چاپ اول).
تهران، نشر مرکزی.

شریف‌زاده، محمد جواد. و عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۴). معمای نرخ سود بانکی: کالبدشکافی
بحران اعسار در برخی نهادهای مالی مجاز. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای
اسلامی. شماره مسلسل: ۱۴۳۱۶

شهبازی غیاثی، موسی؛ ترابی‌فر، هادی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی نظام بانکی، ۱۵. چالش‌ها و
آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران. مرکز
پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل: ۱۴۹۵۳.

صداقت گالشکلومی، ایمان (۱۳۹۸). استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS):
مزایا، چالش‌ها و راهکارهای اجرائی پیاده‌سازی آن در ایران. فصلنامه علمی تخصصی
رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۳(۱۲)، ۱۶۵-۱۸۵.
مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۲). قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) همراه با اصلاحات و
الحاقات بعدی.

- Alexander, D., Britton, A., Jorissen, A., Hoogendoorn, M., & Van Mourik, C. (2004). *International Financial Reporting and Analysis*. London: Thomson Learning.
- Aliabadi, F.J. & Shahri, A.M. (2016). Transparency in Financial Reporting with or without IFRS: the Case of Iran. *World of Accounting Science*, Special issue, 18, 605-623.
- Alkhtani, S. (2010). The Relevance of IFRS for Saudi Arabia: Stakeholders' Perspective. PhD thesis, Stirling University, UK.
- Alkhtani, S. (2012). The Relevance of IFRSs to Less Developed Economies: Challenges and Opportunities, Saudi Arabia as a Case Study. *Journal of Administrative and Economics Science*, 5(2), 21-45.
- Almansour, M. S. (2019). Challenges and Opportunities from Adopting IFRS in Saudi Arabia: the Case of the Banking Sector. PhD thesis, Nottingham Trent University (United Kingdom).
- Alsaqqa, I. (2012). The Impact of Adopting IFRS on Profitability and Stock Performance in Listed Firms in the Abu Dhabi and Dubai Stock Exchanges. PhD thesis, Liverpool John Moores University.
- Alsuhailani, A. (2012). The Expected Impact of IFRS Adoption on Saudi Arabia Based on Lessons from other Countries: a Focus on the Telecommunication Business. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 62, 1190-1198.
- Arpan, J.S. and Radebaugh, L.H. (1985). *International Accounting and Multinational Enterprises*. New York: John Wiley and Sons.
- Badri, A. (1395). Transparency Crisis in Banking Financial Reporting in Iran: A Pathological Analysis. Thirty-eighth conference of the Iranian Association of Certified Public Accountants. *Iranian Association of Certified Public Accountants Monthly*, No. 298. [In Persian].
- Badri, A. (1395). Vicious Cycle of Imaginary Profits. *World Economy Newspaper*, dated 11/10/2016, news number 1089012, newspaper number 3970. [In Persian].
- Badri, A., & Zamanzadeh, H. (1396). Analysis of the Effects of the Imbalance of the Banking System on Monetary Variables and Strategies to Adjust this Imbalance. *Monetary-Banking Research*, 10 (34), 656-621. [In Persian].
- Ball, R., Kothari, S. P., & Robin, A. (2000). The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings. *Journal of accounting and economics*, 29(1), 1-51.
- Batra, K. (2015). Role of Internal Auditors in Transition to IFRS. Chartered Club, <https://www.charteredclub.com/role-of-internal->

auditors-in-transition-to-ifrs/

- Baydoun, N. and Willett, R. (1995). Cultural Relevance of Western Accounting Systems to Developing Countries. *Abacus*, 31 (1), 67-92.
- Behzadian, M., Otaghsara, S. K., Yazdani, M., & Ignatius, J. (2012). A State-of the-Art Survey of TOPSIS Applications. *Expert Systems with applications*, 39(17), 13051-13069.
- Borker, D. R. (2013). Is There a Favorable Cultural Profile for IFRS?: an Examination and Extension of Gray's Accounting Value Hypotheses. *International Business & Economics Research Journal (IBER)*, 12(2), 167-178.
- Borker, D. R. (2014). IFRS and Socio-Cultural Orientation in Egypt, Iran and Iraq. *Journal of Accounting and Finance*, 14(5), 175.
- Central Bank of the Islamic Republic of Iran (1397). Circular "Sample Financial Statements of Credit Institutions", No. 233860/97, Fourth Edition. [In Persian].
- Choi, F. D., & Levich, R. M. (1991). International Accounting Diversity: Does it Affect Market Participants?. *Financial Analysts Journal*, 47(4), 73-82.
- Christensen, H. B., Hail, L., & Leuz, C. (2013). Proper Inferences or a Market for Excuses? The Capital-Market Effects of Mandatory IFRS Adoption. Working paper.
- Cooke, T. E., & Wallace, R. O. (1990). Financial Disclosure Regulation and its Environment: A Review and Further Analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 9(2), 79-110.
- Darbyshire, P., & McDonald, H. (2004). Choosing Response Scale Labels and Length: Guidance for Researchers and Clients. *Australasian Journal of Market Research*, 12(2), 17-26.
- Delloitte (2008). Technology Implications of IFRS Adoption for U.S. Companies.
- Doupnik, T. S., & Salter, S. B. (1995). External Environment, Culture, and Accounting Practices: a Preliminary Test of a General Model of International Accounting Development. *International Journal of Accounting*, 30: 189-207.
- Girbina, M., Minu, M., Bunea, S., & Sacarin, M. (2012). Perceptions of Preparers from Romanian Banks Regarding IFRS Application. *Accounting and Management Information Systems*, 11(2), 191-208.
- Gray, S.J. (1988). Towards a Theory of Cultural on the Development of Accounting Influence Systems Internationally. *Abacus*, 24 (1), 1-15.

- Heydari, M., Taherabadi, A.A., Jamshidi Navid, B. & Ghanbari, M. (1398). The Impact of Countries' Environmental Factors on the Adoption of International Financial Reporting Standards. *Financial Accounting Quarterly*, 11 (41), 46-69. [In Persian].
- Hofstede, G. (1980). *Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- IFRS Foundation. (2018). Use of IFRS Standards Around the World.
- IFRS Foundation. (2020). Annual Report.
- Irvine, H., & Lucas, N. (2006). The Globalization of Accounting Standards: the Case of the United Arab Emirates. In Proceedings of the 3rd International Conference on Contemporary Business (pp. 1-24). Charles Sturt University.
- Islamic Parliament (1362). The law on Interest-Free Banking (Interest) with subsequent amendments and additions. [In Persian].
- Jaggi, B.L. (1975). The Impact of the Cultural Environment on Financial Disclosures. *International Journal of Accounting*, 10 (2), 75-84.
- Jaggi, B.L., & Low, P.Y. (2000). Impact of Culture, Market Forces, and Legal System on Financial Disclosures. *International Journal of Accounting*, 35 (4), 495-519.
- Jermakowicz, E.K. (2004). Effects of Adoption of International Financial Reporting Standards in Belgium. *Accounting in Europe*, 1(1), 51-70.
- Joshi, P., & Ramadhan, S. (2002). The Adoption of International Accounting Standards by Small and Closely Held Companies: Evidence from Bahrain. *International Journal of Accounting*, 37 (4), 429-440.
- Judy B., Joshi, M., Yapa, P. & Kraal, D. (2016). IFRS Adoption in ASEAN Countries: Perceptions of Professional Accountants from Singapore, Malaysia and Indonesia. *International Journal of Managerial Finance*, 12 (2), 211-240.
- Juhmani, O. (2017). Corporate Governance and the Level of Bahraini Corporate Compliance with IFRS Disclosure. *Journal of Applied Accounting Research*, 18(1), 22-41.
- Khalilabad building, M. & Pourzamani, Z. (1396). The Impact of Cultural Factors on the Implementation of International Financial Reporting Standards. *Empirical Accounting Research*, 7 (2), 177-202. [In Persian].

- Khodadadi, v., Waez, S. A., & Rudbar Shojaei, A. (1394). Factors Affecting the Adoption of International Accounting Standards in Developing Countries. *Financial Accounting Quarterly*, 8 (30), 122-142. [In Persian].
- Kolsi, M., & Zehri, F. (2013). The Determinants of IAS/IFRS Adoption by Emergent Countries. Working paper, Emirates College of Technology, Abu Dhabi.
- KPMG (2008), International Financial Reporting Standards: The Information Systems Impacts of IFRS.
- KPMG (2009), The Impact of IFRS on Technology.
- Lema, E. (2017). Benefit and Challenges of Adopting IFRS in Case of Commercial Bank of Ethiopia Addis Ababa. PhD thesis, St. Mary's University (Ethiopia).
- Nobes, C., & Parker, R. (2012). *Comparative International Accounting* (12th ed.). Essex: Pearson Education.
- Perera, M.H.B. (1989a). Accounting in Developing Countries: a Case for Localised Uniformity. *British Accounting Review*, 21 (2), 141-157.
- Porta, R. L., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1998). Law and Finance. *Journal of political economy*, 106(6), 1113-1155.
- Puxty, A. G., Willmott, H. C., Cooper, D. J., & Lowe, T. (1987). Modes of Regulation in Advanced Capitalism: Locating Accountancy in Four Countries. *Accounting, organizations and Society*, 12(3), 273-291.
- Radebaugh, L.H., & Gray, S.J. (2002). *International Accounting and Multinational Enterprises*. USA: John Wiley and Sons, Inc.
- Rahmani, A., & Alipour, Sh. (1389). Barriers to the Adoption of International Accounting Standards in Iran. *Journal of Accounting Studies*, 3 (27), 75-99. [In Persian].
- Rezaei, A., Jahanshad, A., & Taqi Nataj Malek Shah, Gh.H. (1398). Identify and Rank the Challenges of Implementing the Expected Credit Loss Model in Iranian Banks Using Fuzzy Hierarchical Analysis Technique and Provide a Solution Using the Vapas Method. *Accounting and Auditing Reviews*, 26 (2), 239-254. [In Persian].
- Roberts, C.B., Weetman, P., & Gordon, P. (2005). *International Financial Reporting: a Comparative Approach*. Harlow: Prentice Hall.
- Rostami, A., & Hasanzadeh, M. (2016). Iranian GAAP and IFRS: the History and Current Status of the IAS/IFRS Convergence Process in Iran. *International Journal of Finance and Managerial Accounting*, 1 (3), 55-66.

- Samuels, J.M. (1993). International Accounting Standards in the Third World: a Synthesis of Six Articles. *Research in Third World Accounting*, 2, 19-25.
- Sawan, N., & Alsaqqa, I. (2013). The Advantages and the Challenges of Adopting IFRS into UAE Stock Market. *International Journal of Business and Management*, 8(19), 1-23.
- Sedaghat Galshkalami, I. (1398). International Financial Reporting Standards (IFRS): Benefits, Challenges, and Executive Strategies for Implementing It in Iran. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 3 (12), 165-185. [In Persian].
- Seresht, N. G., & Fayek, A. R. (2019). Computational Method for Fuzzy Arithmetic Operations on Triangular Fuzzy Numbers by Extension Principle. *International Journal of Approximate Reasoning*, 106, 172-193.
- Shahbazi Ghiasi, M., & Torabifer, H. (1395). Pathology of the Banking System, 15. Challenges and Major Harms Weakness of Corporate Governance in the Management of Iranian Banks Islamic Parliament Research Center. Serial number: 14953. [In Persian].
- Sharifzadeh, M.J., & Aziznejad, S. (1394). Bank Interest Rate Conundrum: Dissecting the Debt Crisis in some Authorized Financial Institutions. Islamic Consultative Assembly Research Center. Serial number: 14316. [In Persian].
- Shyamal, A. K., & Pal, M. (2007). Triangular Fuzzy Matrices. *Iranian Journal of Fuzzy Systems*, 4(1), 75-87.
- Yapa, P.W.S. (2003). Accounting Education and Training in ASEAN: the Western Influence and the Experience of Singapore, Malaysia, Indonesia and Brunei Darussalam. *Research in Accounting in Emerging Economies*, 5, 267-92.
- Zamanzadeh, H., & Al-Hassani, S. (1391). Iran's Economy in the Throes of Development. Publisher: Central Publishing. First Edition. [In Persian].
- Zeghal, D., & Mhedhbi, K., (2006); An Analysis of the Factors Affecting the Adoption of International Accounting Standards by Developing Countries. *The International Journal of Accounting*, 41(4): 373-386.